info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۸۴۲
دوشنبه / ۲۷ اردیبهشت / ۱۴۰۰
۵ / شوال / ۱۴۴۲
17 / May / 2021

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۲۳۲۸۸-۲۲۵۲۳۲۲۲-۰۲۶۰ فکس: ۲۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۶۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

باران سخاوت

همچون مه و گل ترانه باشیم
هم نغمه و عاشقانه باشیم

بارانِ سخاوت و سرایش
سرمایه ی جاودانه باشیم

غم را به ورای در گذاریم
یک دفترِ شاعرانه باشیم

گل را به چمن نوید بخشیم
امید به هر چه خانه باشیم

دنیا اگرم ستیزه سر شد
آرام ترین گمانه باشیم

بر تربتِ عاری از طراوت
پر شور ترین جوانه باشیم

بر سازِ حزین ناهید
سیمین سخنی یگانه باشیم

با هم به وصالِ هم بجوشیم
بر شادیِ هم بهانه باشیم

با شوقِ پری وشان بشوریم
پر شور ترین فسانه باشیم

پری وش فیروزبخت

یادداشت

ماهِ در محاق نثر فارسی

نثر فارسی؛ در روزگار عزلت و عسرت، همخونی بیشتری با ماتم، دیدهها و مصیبت چشیدهها پیدا می کند و می تواند رونوشتی به وقتاز «الایذکر الله تطمئن القلوب» باشد. برخاستن و برشدنِ متون ادبی، از زمان بدل شدن به «متنی اقناعی» آغاز می شود؛ متنی که به برانگیختگی مخاطب، و انبساطِ اندیشه منتهی می شود و در پذیرش موقعیت و تسکین وضعیت و تبدیل احوال نقش آفرینی می کند معجزه نثر فارسی همین می تواند باشد؛ همین که می تواند اختلال حواس را به اعتدال، هدایت و حجمِ رهاشده هیجان را مدیریت کند. شاید از این رو باشد که در رفتارسنجی متون ادبی، نثر، تمام قدرتِ در خدمت روان آسایی و اضطراب زدایی کوشیده و به متقاعدسازی مخاطب و ترغیب به تصحیح و تعدیل پیشامدهای گوارا و ناگوار اندیشیده است. رویکرد اقناعی نثر با تسخیر ذهن بر پایه خرد، متضمن بازتولید انسان است، خاصه انسان متلاطم از ماتم و مصیبت. این تسخیر، قطعاً مؤثرتر و متنفذتر از تخدیری است که شعر بر جای می گذارد و لذت زمانی بعد فراموش می شود و صرفاً به تعویق درد می انجامد.

در روزگار کرونا، نثر فارسی می تواند بیشتر از محاق جبری خویش فاصله بگیرد و نقش معلمی خود را با تأکید بر شناسه کردن سرشت و سرنوشت انسان ایفا کند. در همه این سالیان، نظام آموزشی ما اهتمام بیشتری در حوزه لفظی نثر به نسبت حوزه فکری و فرایندهای اجتماعی آن داشته است و مخاطبان –قاعدتاً دانش آموزان و دانشجویان، به ناگزیر، مشغول وارداتی همچون تقسیم بندی های سبکی، موضوعی و تقدم و تأخرهای زمانی نویسندگان و نظام های زیباشناسی بوده اند و بار سنگین این تکلیف نگذاشته است که فرایند القا و انتقال فهم فردی و خرد جمعی اتفاق بیفتد. هیولاسازی از نثر فارسی، زاده آزمون محور بودن نظام آموزشی و کنکورسالاری است و مخاطب در چنین چرخه معیوبی، جز به استخراج نکات درسی و کلیدهای کنکوری نمی اندیشد؛ آنچه که باید ارزش افزوده نثر خوانی های ما در نظر گرفته شود، تعمیم رویکرد اقناعی نثر و مشارکت طلبی از نثر در عملیات نجات اجتماعی است. بهبود روانی جامعه؛ خاصه در این روزگار که جزیره وار زیستن، شرط بقاست، می تواند ذیل مطالعه گنجینه هایی همچون مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری، سفرنامه ناصر خسرو، تذکرةالاولیا فریدالدین عطار، حکایت هایی از گلستان سعدی، سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی، مقامات ابوسعید ابوالخیر، قابوس نامه عنصرالمعالی و هزار اثر منثور دیگر ممکن شود. شاید هر کدام از ما که به هر اندازه دلی در گرو ادبیات داریم؛ با لورنامی کردیم که شبکه ها و صفحات مجازی بتوانند با عاریتِ جملاتی از نثر فارسی، مخاطبان خود را به اندیشیدن و آرامش تعارف کنند. کرونا هر چند چهره ای مرگ آسا دارد اما قطعاً در گنجینه نثر نسخه ای برای تاب آوری انسان پیدا خواهد شد که امیدوارانه این روزگار را پشت سر بگذارد.

ارمغان بهداروند

امروز با حافظ

گله از زاهد بدخو نکنم رسم این است
که چو صبحی بدمد در پی اش افتد شامی
یار من چون بخرامد به تماشای چمن
برسانش ز من ای پیک صبا پیغامی

خراقه

حُرمتِ من گر نداری حرمتِ عشقم بدار

وحشی بافقی

اذان شرعی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۲۲	۰۶:۰۲	۱۳:۰۴	۲۰:۰۵	۲۰:۲۴

برگه

خدا به زمان احتیاج ندارد و هرگز دیر نمی کند.

فلورانس اسکاول شین

یادداشت

باور غلطی که جنگل ها را طعمه آتش می کند

هرساله با آغاز وزش اولین بادهای گرم تابستانی آتش سوزی در جنگل های کشور بهویژه در مناطق زاگرس آغاز می شود. بیش از سه روز است که برخی عرصه های طبیعی استان های فارس و کهگیلویه و بویر احمد دچار حریق شده اند و بار دیگر نقش کشاورزان در وقوع و گسترش آتش سوزی ها مطرح شده است چون برخی از آنان به غلط معتقدند که با آتش زدن باقی مانده کاه و کلش محصول خود به محیط زیست کمک می کنند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا به گفته غلامحسین حکمتیان اصل -مدیرکل منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویراحمد - علت آتش سوزی جنگل های دو نقطه از شهرستان باشت آتش زدن پسماند مزارع از سوی یک کشاورز برای برنج کاری بوده که به عرصه های منابع طبیعی و جنگل ها سرایت کرده است.

در حالی آتش زدن پسماند مزارع علت آتش سوزی جنگل های باشت عنوان شده است که بنابر اعلام سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری عوامل انسانی، علت بیش از ۹۰ درصد آتش سوزی ها در جنگل ها و مراتع کشور است که می تواند به صورت آگاهانه و مغرضانه یا به صورت ناآگاهانه و سهوی صورت بگیرد.

علوفه های خشک شده در مراتع و جنگل ها با گرم شدن هوا کاملا مستعد آتش سوزی می شوند و رها کردن ته سیگار، شیشه، قوطی های فلزی و خاموش نکردن کامل آتش توسط گردشگران باعث وقوع آتش سوزی در برخی عرصه های طبیعی مانند جنگل ها، دشت ها، مراتع و ... می شود اما برخی از این آتش سوزی ها از مزارعی که در مجاورت جنگل ها قرار دارند، آغاز می شود چرا که برخی از کشاورزانی که محصولاتی مانند گندم و جو را برداشت کرده اند، برای کاشت محصول جدید، باقیمانده محصولات خود را آتش می زنند که این اقدام می تواند منجر به سرایت آتش به جنگل ها و منابع طبیعی باشد.

به گفته محمد درویش - پژوهشگر محیط زیست - بسیاری از کشاورزان بر اثر یک باور غلط به این نتیجه رسیده اند که اگر باقی مانده کاه و کلش محصول خود را آتش بزنند هم زمین ضدعفونی می شود و هم حاصلخیزی خاک افزایش پیدا می کند و به همین دلیل هر سال کار را انجام می دهند. این در حالیست که آتش زدن بقایای محصولات کشاورزی علاوه بر اینکه خطری بسیار جدی برای محیط زیست و اقتصاد محسوب می شود، می تواند باعث معضلاتی از جمله نابودی میکروارگانیسم های خاک و حاصلخیزی خاک، افزایش میزان گاز دی اکسید کربن و اثر گلخانه ای بر کره زمین، افزایش میزان تولید گرد و غبار، افزایش تصادفات جاده ای بر اثر دود گرفتگی، از بین رفتن گونه های گیاهی ارزشمند و درختان کهنسال، از بین رفتن تنوع های زیستی و به دام افتادن حیات وحش در شعله های آتش شود.

در عین حال رحیم ملکنیا - متخصص جنگلداری- علت برخی آتش سوزی های عمدی را تعارضات بین سازمان جنگل ها و مردم محلی می داند که اختلاف های بین کشاورزان و مرتع داران و آمادسازی زمین برای کشت مجدد از این دسته اختلافات هستند. به اعتقاد او سازمان جنگل ها باید تعارضات خود با افراد محلی، دامداران و کشاورزان را به منظور حفظ منابع طبیعی برطرف کند. همچنین در برخی وارد سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری علت برخی از این آتش سوزی ها را تلاشی از اختلافات بین کشاورزان بر سر یک زمین اعلام کرده است.

قانون درباره آتش زدن بقایای محصولات کشاورزی چه می گوید؟

گرچه کارشناسان مدت ها است که نسبت به نحوه آتش زدن بقایای محصولات کشاورزی، اختلاف بین کشاورزان و سایر عوامل موثر در این زمینه هشدار می دهند و بر ضرورت آموزش جوامع محلی و برخورد با متخلفان تاکید کرده اند که در قانون نیز ممنوعیت ها و مجازاتی برای این دست تخلفات و متخلفان دیده شده است.

براساس ماده ۲۰ قانون هوای پاک سوزاندن بقایای گیاهی اراضی زراعی پس از برداشت محصول ممنوع است و متخلف حسب مورد به جزای نقدی بیش از دو میلیون تا ۵ میلیون تومان محکوم می شود همچنین براساس ماده ۴۵ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع، آتش زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی ممنوع است و در صورتی که در نتیجه بی مبالاتی حریق در جنگل به وقوع بپیوندد مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

علاوه بر این در ماده ۲ و ۲۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا نیز آمده شده که اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم کند ممنوع است و پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده کننده هوا بیش از حد مجاز در هوای آزاد ممنوع است.

سال گذشته رضا افلاطونی - مدیر کل وقت دفتر حقوقی سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور - اظهار کرده بود که طبق مکاتبات انجام شده با دادستان کل کشور مقرر شده است افرادی که به طور عمدی جنگل ها و مراتع را به آتش می کشند، به حداقل ۱۰ سال حبس محکوم شوند و از آنجایی که بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی، مرتع و جنگل ها جزو انفال عمومی تلقی می شود و دولت تنها نسبت به مدیریت این عرصه ها وظیفه دارد و منابع طبیعی به عنوان میراثی است که از گذشته به ارث رسیده و امانتی است برای آیندگان بنابراین تکلیف داریم به لحاظ شرعی و قانونی از منابع طبیعی حفاظت کنیم.

مسعود منصور - رییس سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور- نیز سال گذشته در نامه ای به ادارات کل منابع طبیعی استان ها از آنان خواست با توجه به شروع فصل بهار و افزایش دمای هوا برنامه ریزی های لازم برای پیشگیری از وقوع حریق در جنگل ها و مراتع را در دستور کار خود قرار دهند و در این دستورالعمل پیشگیرانه خواستار برگزاری کلاس های ترویجی و آموزشی برای دامداران، کشاورزان و بهره برداران و مجریان طرح های منابع طبیعی شد.

این در حالیست که درویش معتقد است برخی کشاورزان به کارشناسان دولتی اعتماد ندارند اما به سازمان های مردم نهاد اعتماد دارند بنابراین اگر دولت به سازمان های مردم نهاد توجه کند و اجازه فعالیت های درخوری را دهد، سمن ها می توانند با کشاورزان ارتباط برقرار و به آنان ثابت کنند که لازم نیست کاه و کلش باقی مانده محصولات خود را آتش بزنند که در بسیاری از موارد باعث ایجاد آتش سوزی در مراتع و جنگل ها می شود.

با این حال از این نکته نباید غافل ماند که درختان بلوط یکی از گونه های گیاهی شاخص در جنگل های مناطق زاگرسی هستند که هر بذر آن هفت تا هشت سال زمان می برد تا حدود ۷۰ سانتی متر رشد کند و هر نهال آن که کاشته شود پس از ۴۰ سال بذر می دهد همچنین این اکوسیستم های جنگلی دارای جمعیت زیادی از حیات وحش از جمله سنجاب است بنابراین آتش سوزی های جنگلی علاوه بر نابودی گیاهانی مانند درختان ۳۰۰ تا ۴۰۰ ساله بلوط، بسیاری از موجودات زنده دیگر، اعم از جانوران، میکروب ها، قارچ ها و باکتری ها که همگی برای اکوسیستم ها مفید هستند را از بین می برد و به گفته کارشناسان بازیابی برخی از این گونه ها به حالت اولیه خود ممکن است نیم قرن طول بکشد.

در کنار ارائه آموزش های لازم به کشاورزان، احداث آتش بُر برای ایجاد فاصله بین جنگل ها و مراتع، برداشت یا چرای موقت مناطق با پوشش علوفه ای از دیگر اقداماتی است که به منظور پیشگیری از گسترش آتش سوزی جنگل های زاگرس پیشنهاد شده است.

با توجه به اینکه کارشناسان بارها به نقش سوزاندن بقایای کشاورزی، اختلافات کشاورزان با یکدیگر یا تعارضات با مرتع داران در وقوع آتش سوزی جنگل ها اشاره کرده اند، لازم است سازمان های متولی اقدامات موثری را طی سال برای آموزش و مرتفع کردن مشکلات و نیاز کشاورزان انجام دهند تا شاهد کاهش آتش سوزی در عرصه های جنگلی کشور به این علت باشیم.

مقاله

چرا خودانتقادی و مخالفت با خود مفید است؟

رای ایجاد یک سازمان پویا که در آن، افراد به فراسوی کارهای روزمره و انجام وظایف شغلی عادی شان بیندیشند به درجات بالای پویایی و پیشرفت فردی و سازمانی دست یابند، ذهن خود را بسط دهند و به جست وجوگری همیشگی بپردازند، باید کارکنان را ترغیب کرد که فقط به عقاید و آموخته و دانسته های خود بسنده نکرده و بر درست بودن ایده ها و پیشنهادهایی که در ذهن دارند یا مطرح کرده اند، اصرار بیش از حد نداشته باشند؛ بلکه به نقطه مقابل و مخالف عقاید خود نیز فکر کنند و از تفکر انتقادی در مورد خودشان و نظراتشان نیز استفاده کنند. به عبارت بهتر، کارکنان توانمند و تمام عیار کسانی هستند که همزمان با خلق یک ایده یا ارائه یک طرح پیشنهادی، از زاویه مخالف و به شکلی انتقادگونه نیز با ایده پیشنهادی خود برخورد کرده و سعی کنند تا آنچه را که خودشان مطرح می کنند، رد کنند. این برخورد انتقادی با ایده ها و پیشنهادهای خود، تا حد بسیار زیادی بر توانایی افراد برای پاسخگویی به انتقادات و مخالفت های احتمالی با آن ایده خواهد افزود.

مدیران و رهبران سازمان ها می توانند برای تحقق این هدف ارزشمند و سازنده کارکنان را وادار کنند تا در صورت ارائه یک پیشنهاد یا ایده، یک سری دلایل و نکات در رد آن ایده و پیشنهاد و مخالفت با آن نیز بیان کنند و هم به عنوان موافق با ایده پیشنهادی شان صحبت کنند و هم به عنوان مخالف و کسی که تلاش می کند آن ایده را رد کند. این کار از سه جهت مفید و موثر است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد:

۱-کمک به پخته تر شدن پیشنهادها: هنگامی که افراد بتوانند یک سری استدلال های قوی علیه پیشنهاد و ایده خود تنظیم کنند آن گاه قادر خواهند بود در پاسخ به منتقدان و مخالفان، خیلی خوب و از پیش فکر شده عمل کنند، چرا که از قبل خود را برای دریافت این انتقادات آماده کرده و برای هر کدام از آنها پاسخ های قانع کننده ای خواهند داشت. امروزه یکی از مشکلاتی که در بسیاری از شرکت ها و سازمان ها به چشم می خورد و تا حد زیادی آزاردهنده و تهدیدکننده انسجام سازمانی است، از آنجا سرچشمه می گیرد که کارکنان و البته مدیران فعال در آنجا تاب و تحمل شنیدن صدای مخالف را ندارند یا به خاطر مخالفت دیگران با ایده های پیشنهادی شان با آنها برخورد قهرآمیز و منفی می کنند که دلیل اصلی این آشفتگی ها و پرخاشگری ها ریشه در این واقعیت دارد که افراد خود را از قبل برای پاسخگویی به انتقادات و مخالفت های احتمالی با ایده ها و پیشنهادهای خود آماده نکرده اند و گفت وگوی درست و قانع کننده با مخالف خود را تمرین نکرده اند.

۲-شناختن حد وسط و راه حل بینابین: توجه دقیق به نظرات طرف مخالف این امکان را می دهد تا با تشخیص حد وسط و اجتناب از افراط و تفریط پیشنهاد نهایی و ایده قوی تری ارائه شود که کمتر کسی تمایل پیدا کند آن را به چالش کشیده یا رد کند. علاوه براین، با تشخیص کامل تر آنچه مورد نیاز است یا آنچه ضروری ندارد، موضع قدرتمندتری را اتخاذ کرده و به بی ربط گویی و حاشیه پردازی متهم نخواهند شد. در این حالت، کارکنان در سازمان می آموزند که از افراط و تفریط فاصله گرفته و پیشنهادها و طرح هایی را ارائه دهند که کمترین مخالفت و سنگ اندازی را از جانب دیگران، چه مدیران مافوق و چه از جانب سایر کارکنان و همکاران شان به دنبال داشته باشد.

۳-امکان مانیتورینگ و تغییر دادن ذهن: توجه به نقطه مخالف و توجه دقیق به آنها یک تمرین مفید و ارزشمند ذهنی برای خود افراد نیز هست، چرا که باعث می شود افراد بتوانند از جنبه های مختلف و از زوایای گوناگون به یک چیز بنگرند امری که بدون نگریستن به آن چیز از زاویه مخالف و از موضع متضاد امکان تحقق آن وجود ندارد. وجود همین چندجانبه گرایی و انعطاف پذیری در برابر عقاید و نظرات مخالف باعث شده تا ایده های کامل تری شکل بگیرد که مخالفت اندکی با آن پیش خواهد آمد.

به طور کلی، رواج تفکرات متضاد در ذهن مدیران و رهبران فعال در عصر دیجیتال نیز بسیار مفید است، چرا که دو پیامد مثبت و سازنده برای آنها دارد: اول اینکه به آنها نشان می دهد در اردوگاه مقابل و در میان رقبا، چه عقاید و نگرش هایی وجود دارد. در واقع این نوع تفکر به مدیران این امکان را می دهد تا خود را از قید و بندهایی که به واسطه مدیریت و رهبری سازمان خاص دور خود تنیده اند، رها سازند و متوجه شوند که در سایر سازمان ها و رسانه های اجتماعی طرف مقابل چه اتفاقاتی در حال روی دادن است. بنابراین، چه اتفاق متضاد باعث می شود مدیران که معمولا توسط افرادی همفکر و هم عقیده خود در سازمان احاطه شده اند، از این حلقه بسته خارج شده و با عقاید و نگرش های متفاوت و متنوعی برخورد کنند.

دومین مزیت تفکر متضاد، برای مدیران و رهبران این است که سرعت تغییر و تحولات در دنیای امروز به گونه ای است که بهترین موقعیت و تصمیم امروز شاید بهترین موقعیت و تصمیم برای فردا نباشد و این پویایی متابولیسم جامعه است که به میزان شگفت آوری به سرعت تغییرات در دنیای کسب و کار افزوده و نه تنها انسان ها و کارکنان و مدیران را غافلگیر کرده، بلکه حتی موجب عقب افتادن روبات ها و هوش مصنوعی از این قافله شتابان شده است.

در عصری که ویژگی بارز آن، به هم ریختن پی در پی ساختارها و به چالش کشیدن مداوم روش ها و ابزارهای کنونی است، ساختارشکن ها به سادگی و با زیر سوال بردن الگوها و مفروضات کنونی، همه چیز و همه کس را به چالش می کشند. در چنین شرایطی، بهتر است برای به چالش کشیده نشدن و زیر سوال نرفتن از سوی دیگران، به چالش کشیدن را از خود آغاز کرده و با دید مخالف و متضاد به اندیشه ها و تصمیم ها بنگرند.

یکی از راه های پیاده سازی چنین هدفی، تمرین تیم قرمز و آبی در درون سازمان است که در آن، اعضای مشارکت کننده در یک پروژه به دو گروه تقسیم شده و هر کدام از آنها وظیفه دارند به روش خاص و متضاد با گروه دیگر، پروژه واحدی را انجام دهند. اجرای منظم و کامل این تمرین به اعضای سازمان می آموزد که چگونه می توان تفکر انتقادی و متضاد را در عرصه عمل اجرا کرد.

مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

بریده جراید

کتاب باز؛ مغز میوه را تعارف می کند

ایران؛ مسعود فروتن، نویسنده، مجری و کارگردان- بالاتر از باغ فردوس، رو به روی پمپ بنزین کتابفروشی نشر باغ قرار دارد. از عادت هایم این بود که مواقع بیکاری سری به آنجا بزنم، آثار تازه را بررسی کنم، کتابی بخرم و آدم ها را در حال کتاب دیدن و کتاب خریدن تماشا کنم. این کتابفروشی مثل من پاتوق یک جوان هم بود که همیشه سر تا پای کتابفروشی را وارانداز می کرد و کتاب های تازه را بررسی می کرد. یک روز سر صحبت را باز کردم و فهمیدم در کار نوشتن و هنر است و بازیگری هم می کند. برای مجموعه «کاکتوس» دعوتش کردم و جزو تیم بازیگری شد. از معدود جوانانی بود که همیشه یک کتاب توی جیب داشت، هر وقت بیکار می شد، کتابش را می خواند. بیراه نیست که او امروز مجری یک برنامه موفق تلویزیونی با محوریت کتاب است.

«کتاب باز» اگر موفق است، مجری آگاه، دانا و جذابی دارد که خودش اهل کتاب خواندن است. برگ برنده این برنامه سروش صحت است که بشدت کتابخوان و کتابدان است و هوشمندانه از کتاب استفاده می کند. برحسب عادت یا برای پر کردن زمان کتاب نمی خواند یا این طور نیست که یک کتاب را بخواند و کنار بگذارد و یادش نباشد که چه خوانده. طوری رجع به «بینوایان» حرف می زند که انگار همین دیروز کتاب را خوانده، با هر کسی صحبت می کند اعم از نویسنده و ناشر و کتابفروش، به اندازه او آگاهی دارد. آگاهانه و هوشمندانه طرف مقابلش را نگاه می کند، دقیق به حرف هایش گوش می دهد و از حرف هایش سؤال درمی آورد. این از بلد بودن های اجراست. او به سبک و سیاق دیگر مجری های تلویزیون نیست. آنقدر آگاه است که لازم نیست حتماً لباسی خاص بپوشد تا به چشم بیاید. سروش صحت با متانت و دانش اش دیده می شود. درخت تنومند «کتاب باز» همچنان سروش صحت است و دیگر بخش های برنامه به آن سنجاق می شوند.

اعتقاد شخصی من این است که هیچ برنامه ای نمی تواند مخاطب را کتابخوان کند. باید از کودکی کتابخوان، تربیت شد. در همین برنامه که میهمان سروش صحت بودم، ماجرای کتابخوان شدنم را تعریف کردم. روزی مشغول خواندن کتاب «پر» شارلوت مری ماتیسن بودم که از کتابفروشی محله به امانت گرفته بودم. پدر نگاهی به کتاب کرد و گفت بعد از تمام شدن کتاب با تو کار دارم. کتاب را که تحویل دادم، نزد پدرم رفتم. کتاب های او چند جلدی و درباره تاریخ ادبیات و دیوان شاعران بود. برای من جذابیتی نداشت. کتابی دو جلدی به دستم داد و گفت این «بینوایان» است. بخوان و آخر هفته برایم تعریف کن که چه یاد گرفتی. بخش کشیش و دزد را خواندم و برایش تعریف کردم. از سیک قصه گویی و خلاصه کردن کتاب خوشش آمد و یک ۵ ریالی به من جایزه داد. همین کتاب باعث شد کتابخوانی را ادامه بدهم. حالا کتاب خواندن و کتاب خریدن یک رسم در زندگی من شده است. یک عادت خوب هم این اواخر به آن اضافه شده است. کتاب ها را تا سقف جمع نمی کنم که بگویم این همه کتاب دارم. می فرستمش به جاهایی که لازم دارند. داشتم این را می گفتم که نمی شود با برنامه تلویزیونی کسی را کتابخوان کرد. این عادت را باید از بچگی یاد گرفت. باید برای بچه ها کتاب خواند تا کتاب خواندن و کتاب شنیدن عادت شود. حواس مان هم باشد که ضبط صوت نمی تواند جای پدر و مادر را بگیرد. همچنان که کتاب صوتی نمی تواند جای مطالعه را بگیرد. خود من با وجود کتابخوانی برای جاهای مختلف دلم می خواهد کتاب به دستم بگیرم، کلمات را ببینم و خودم بخوانم. شاید کتاب شنیدن آدم را به این حال بیندازد که باید خودم کتاب بخوانم.

پس توقع نداشته باشید که «کتاب باز» شما را کتابخوان کند اما این برنامه می تواند شما را به خواندن کتاب های تازه ترغیب کند. در گفت وگو با نویسنده و ناشر و کتابفروش و گاهی کتابخوان های اهل هنر پیشنهادهای ترغیب کننده برایتان دارد. تا یادم نرفته بگویم چه خوب است که این برنامه برعکس اغلب برنامه های گفت وگومحور گرفتار دعوت از سلبریتی ها نشده است. نویسنده را دعوت می کند و مغز میوه را به مخاطب تعارف می کند. این شاخصه معرفی و آشنایی با کتاب امیدوارم به برنامه های رادیویی هم راه پیدا کند. گوینده ای که قصه ای را می خواند، در انتهای برنامه بگوید که این کتاب برای کدام انتشارات است و از کجا می توان آن را خرید. این معرفی فقط به نفع نویسنده و ناشر نیست بلکه به نفع مردمی است که کتاب می تواند بخشی از زندگی معنوی شان باشد. برای خودشان کتاب هدیه بگیرند و به دیگران کتاب هدیه دهند.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل-منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۴۸۰۲۶۰۰۶۰۰